



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



# سنت الہی تعمیم اور قرآن

محمد عہدی آصفی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# سنت الهی تعمیم در قرآن

نویسنده:

محمد مهدی آصفی

ناشر چاپی:

حکومت اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	سنت الهی تعمیم در قرآن
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	پیشگفتار
۸	شأن نزول آیات
۸	دلالت آیات بر سنت تعمیم
۹	علت تعمیم
۹	خشنودی و ناخشنودی
۹	شراکت به رضایت
۱۰	مشارکت تاریخی
۱۰	کردار امت و فرد
۱۱	موارد تعمیم
۱۱	اشاره
۱۱	تعمیم در مسؤولیت و کیفر
۱۲	تعمیم حجت
۱۲	تعمیم در ثواب و پاداش
۱۴	تعمیم در نسبت دادن عمل
۱۴	تعمیم در شهود و حضور
۱۵	تعمیم در دستاوردها و سنن الهی در جامعه و تاریخ
۱۵	تعمیم در نتایج و سنن الهی در وجود انسان
۱۶	تعمیم نفرین و بیزاری
۱۷	نفرین شدگان در زیارت وارث

- عاشورا محک ولایت و براءت ..... ۱۷
- دوستی یا دشمنی، به عمل است ..... ۱۸
- رضایت مندی سطحی و عمقی ..... ۱۸
- پاورقی ..... ۱۹
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ..... ۲۰

## سنت الهی تعمیم در قرآن

### مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۱-۴۹۸۶۱

سرشناسه: آصفی، محمدمهدی

عنوان و نام پدیدآور: سنت الهی تعمیم در قرآن/ آصفی، محمدمهدی؛ امینی، عبدالله

منشأ مقاله: ، حکومت اسلامی، ش ۲۷، (بهار ۱۳۸۲): ص ۴۹ - ۷۳.

توصیفگر: تعمیم

توصیفگر: قرآن

توصیفگر: زیارتنامه‌ها

توصیفگر: قیام عاشورا

توصیفگر: جامعه اسلامی

توصیفگر: رضایت

توصیفگر: نارضایی

توصیفگر: زیارت وارث

### مقدمه

سنت تعمیم بدین معنا است که اگر آدمی خشنود از کردار گروهی باشد، در عملشان شریک خواهد بود و به کسانی ملحق می‌شود که دوستدارشان است چنان که خشم و نارضایتی، انسان را از کسانی که دوست ندارد و از عملشان ناراضی است، جدا می‌کند. قرآن کریم و روایات معصومین (ع) نیز بر آن دلالت می‌کنند لذا علت تعمیم، خشنودی یا ناخشنودی به خاطر حبّ و بغض می‌باشد. در این راستا، با توجه به مفهومی که قرآن از کلمه امت ارائه می‌دهد و آن را مقوله‌ای کیفی می‌داند، دستاوردها و عملکرد نیک و بد امت نیز تمامی افراد امت را در بر می‌گیرد حتی آنان که در این کار نقشی نداشته‌اند اما به جهت رضایت، شریک آثار عمل امت‌اند به خلاف نتایج عملکرد افراد که ویژه خودشان می‌باشد. نویسنده ضمن تبیین مطالب فوق سنت تعمیم را فراگیر بر دنیا و آخرت و خیر و شرّ دانسته، در ادامه به برخی روش‌ها و موارد این سنت الهی در زندگی مردم همچون تعمیم در مسؤولیت و کیفر، تعمیم حجت، تعمیم در ثواب و پاداش پرداخته و تعمیم نفرین و بیزاری و یکی از این مصادیق بر شمرده که در نصوص به جا مانده از اهل بیت (ع) در زیارت امام حسین (ع) نیز به روشنی شاهد این تعمیم هستیم. نویسنده در پایان نتیجه می‌گیرد عاشورا خط معیار دو جبهه حق و باطل در طول تاریخ و در هر جامعه‌ای است، موضع‌گیری در این دو جبهه به دوستی یا بیزاری است و حسین (ع) جدا کننده این دو جبهه خواهد بود.

### پیشگفتار

«لقد سمع الله قول الذين قالوا إنّ الله فقيرٌ ونحن أغنياء سنكتبُ ما قالوا وقتلهم الأنبياء بغير حقٍ و نقول ذوقوا عذاب الحريق ذلك بما قدّمتم أيدىكم و أنّ الله ليس بظلامٍ للعبيد الذين قالوا إنّ الله عهد إلينا ألاّ نؤمن لرسولٍ حتى يأتينا بقربان تأكله النار قل قد جاءكم رسل

من قبلی بالبینات و بالذی قلم فلیم قتلتموهم ان کتم صادقین؛ [۱] خداوند سخن آنان را که گفتند: «خدا فقیر است و ما بی نیازیم»، شنید. به زودی آنچه را گفتند خواهیم نوشت، همچنین کشتن بناحق پیامبران را می‌نویسیم و به آنان می‌گوییم: «بچشید عذاب سوزان را!» این به سبب و نتیجه کاری است که دستهای شما از پیش فرستاده و خدا به بندگان ستم نمی‌کند. آنان کسانی هستند که گفتند: خدا از ما پیمان گرفته که به پیامبری ایمان نیاوریم مگر این که یک قربانی بیاورد که آتش [=صاعقه آسمانی] آن را بسوزاند! بگو: پیامبرانی پیش از من برایتان آمدند و دلایل روشن و آنچه را گفتید آوردند، پس چرا آنان را کشتید اگر راست می‌گویید؟!»

## شأن نزول آیات

سعید بن جبیر در شأن نزول این آیات گفته است: وقتی این آیه نازل شد: «من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له أضعافاً کثیره...» [۲]. کیست که به خدا قرض الحسنه بدهد تا آن را برای او چند برابر کند...» یهودیان گفتند: ای محمد! پروردگارت فقیر و نیازمند شد و از بندگانش قرض خواست! پس خدا آیات فوق را فرو فرستاد!

## دلالت آیات بر سنت تعمیم

آیات مزبور یهودیان معاصر رسول الله (ص) را به دو سبب محکوم و سرزنش می‌کند؛ ۱. این که گفتند: خدا فقیر و نیازمند است و ما ثروتمند و بی‌نیازیم. ۲. بناحق پیامبران را کشتند. خداوند گفته یهودیان را شنید و به آنان هشدار داد سخن نادرست و یاوه‌ای را که گفته‌اند، در نامه عملشان بنویسد و بدین سبب، نیز به خاطر کشتن بناحق پیامبران آنان را محکوم و عذاب کند: «به زودی آنچه را گفتند خواهیم نوشت، همچنین کشتن بناحق پیامبران را می‌نویسیم.» خداوند عذاب سوزناک را به یهودیان خواهد چشاند، زیرا سخن نادرستی گفتند و بناحق پیامبران را کشتند: «و به آنان می‌گوییم: بچشید عذاب سوزان را.» آیه کریمه تأکید دارد یهودیان معاصر رسول خدا (ص) سزاوار عقوبت با عذاب سوزانند، زیرا مرتکب گناه و معصیت شدند و خداوند به بندگان ستم نمی‌کند و تصریح می‌نماید که این (عذاب) نتیجه کاری است که دستهای شما از پیش فرستاده است. آیه کریمه در ادامه نقل می‌کند که از رسول خدا خواستند یک قربانی بیاورد که صاعقه آسمانی آن را بخورد، تا به رسالتش ایمان بیاورند. زیرا خداوند از آنان پیمان گرفته است که تا چنین آیتی نبینند، ایمان نیاورند. بعد در ردّ ادعا و وعده دروغین آنان بر ایمان آوردن، می‌گوید که پیامبران پیش از رسول خدا با دلایل روشن آمدند، حتی با این آیتی که آنان تقاضا دارند، اما به‌رغم تمامی اینها، ایمان نیاورند و بر لجاجت و عناد خود اصرار ورزیدند و پیامبران را بناحق کشتند. شکی نیست که مخاطبان این آیات، یهودیان معاصر رسول خداوند و تمامی ضمایر به آنان بر می‌گردد. آنان بودند که گفتند: خدا نیازمند است و ما بی‌نیاز؛ آنان گفتند: خدا از ما پیمان گرفته است. نگاهی گذرا به آیات، بر این حقیقت تأکید دارد. خدای متعال آنان را محکوم کرده و به عذاب سوزان نویدشان می‌دهد، آن هم به خاطر این که پدرانشان با کشتن بناحق پیامبران بنی‌اسرائیل، مرتکب جرم شدند. گرچه با نظر سطحی و گذرا به تاریخ و جامعه می‌فهمیم، یهودیان معاصر پیامبر نقشی در این کار نداشتند، اما آیات کریمه به صراحت آنان را محکوم کرده و سزاوار عقوبت دانسته است. خدای متعال یهودیان را محکوم نموده و به سبب آنچه کردند و آنچه نکردند، عذابشان می‌کند. یهودیان معاصر فقط از پیامبر خواستند یک قربانی بیاورد که صاعقه آسمانی آن را بسوزاند. آنان نه انبیا را کشتند و نه معاصر قاتلان و مقتولان بودند، پس چرا آیه کریمه به کاری که نکردند - کشتن پیامبران - و نقشی که نداشتند، دلیل می‌آورد؟! پاسخ این پرسش، سنت «تعمیم» و فراشمولی است. خدای متعال مسئولیت و نقش پدران در کشتن انبیا را به فرزندان تعمیم و گسترش داده، چنان که عقوبت پدران به سبب جرمی که مرتکب شدند را شامل فرزندان دانسته است و دلیلی را که بر ضد پدران آورده، برای فرزندان هم بازگو کرده



است. «تعمیم» سنتی فراگیر و شامل است و همین سنت الهی، دلیل محکومیت یهود و عقوبت‌شان است. معنای تعمیم در آیه آن است که خدای متعال فرزندان را شریک مسئولیت و جرم و کیفر پدران دانسته، دلیل تعمیم را شامل هر دو می‌داند.

## علت تعمیم

### خشنودی و ناخشنودی

خشنودی یا ناخشنودی به خاطر حُبّ و بُغض است. اگر آدمی راضی و خشنود از کردار گروهی باشد، در عملشان شریک است، چه خیر باشد و چه شرّ؛ اگر کردار شرّ باشد، کیفر و مجازات خواهد شد و اگر عمل خیر باشد، به او ثواب و پاداش می‌دهند. اگر انسان بر گروهی (به سبب عملکردشان) خشم گیرد، از آنان بیزار می‌گردد و تبری جسته است. خشنودی و رضایت، آدمی را به کسانی ملحق می‌کند که دوستدارشان است و از کارکردشان راضی است، چنان که خشم و نارضایتی، انسان را از کسانی که دوست ندارد و از عملشان ناراضی است، جدا می‌کند. پس رضایت یا عدم رضایت، عامل وَضَل و فَضْل (پیوند و جدایی) است، و از آن رو که یهودیان معاصر پیامبر، از کرده پدران و کشتن پیامبران راضی بودند، خدای متعال، آنان را در برابر جرم پدران مسئول دانست و بدین سبب محکوم کرد و وعید کیفرشان داد و «تعمیم» را دلیلی بر ضدشان دانست، به رغم آن که هم‌عصر پیامبران نبوده، آنان را ندیدند و نقشی در کشتنشان نداشتند. از ابی‌عبدالله امام صادق (ع) در باره همین آیات روایت است: «میان آن قاتلان و این درخواست کنندگان از پیامبر، پانصد سال فاصله بود، اما خداوند از آن رو که راضی به کرده پدرانشان بودند، آنان را نیز قاتل دانست.» [۳] محمد بن ارقط می‌گوید: خدمت ابوعبدالله امام صادق (ع) رسیدم. فرمود: به کوفه می‌روی؟ عرض کردم: بلی. فرمود: قاتلان حسین را میان مردم کوفه دیده‌ای؟ پاسخ دادم: فدایت شوم! [از آن زمان خیلی گذشته و من] کسی را بدین عنوان نمی‌شناسم! فرمود: «فإذن أنت لا ترى القاتل إلا من قتل أو من ولى القتل؟ ألم تسمع إلى قول الله: «قد جاءكم رسلاً من قبلى بالبينات و بالذی قتلتم، فلم تقتلتموهم إن كنتم صادقین.» فأی رسول قتل الذین كان محمد (ص) بین أظهرهم؟ و لم یكن بینة و بین عیسی (ع) رسول. إنما رضوا قتل أولئك، فسموا قاتلین؛ پنداشته‌ای قاتل فقط کسی است که کشته است و بدان مبادرت کرده است؟ آیا نشنیده‌ای خداوند می‌فرماید: «پیامبرانی پیش از من برایتان آمدند و دلایل روشن و آنچه را گفتید آوردند، پس چرا آنان را کُشتید اگر راست می‌گویید؟!» کدامین پیامبر را در زمان محمد (ص) کشتند، در حالی که میان وی و عیسی (ع) پیامبری نبود؟ مقصود آن است که از کشتن پیامبران راضی بودند، از این رو جزء قاتلان به‌شمار آمدند.» [۴].

### شراکت به رضایت

گفتیم اگر کسی از کرده خیر یا شرّ شخصی راضی و خشنود باشد، شریک عمل او به‌شمار می‌آید، چه خود نیز این کار را انجام دهد یا انجام ندهد، چنان که شریک و مسئول پیامدها و نتایج آن عمل، یعنی ثواب یا کیفر هم است. سیدرضی در نهج‌البلاغه از امیرمؤمنان روایت می‌کند: «أیها الناس، إنما یجمع الناس الرضا و السخط، و إنما عقر ناقة ثمود رجل واحد، فعمّم الله بالعذاب، لِمَا عمّوه بالرضا؛ قال سبحانه: «فعمروها، فأصبحوا نادمین.» فما كان إلا أن خارت أرضهم بالخسف خوار السكة المحمّاء فی الأرض الخوارة؛ ای مردم! خشنودی و خشم از چیزی، همگان را در پیامد آن شریک می‌سازد، چنان که ماده شتر ثمود را یک نفر پی کرد، اما خدا همه را عذاب کرد، زیرا همگی آن کار را پسندیدند و خدای سبحان فرمود: «ماده شتر را پی کردند و سرانجام پشیمان شدند.» دیری نپایید که زمینشان صدا کرد و فرو رفت چنان که آهن تفتیده در زمین سست فرو می‌رود.» [۵] نیز فرمود: «الراضی بفعل قوم كالدخل فيه معهم. و علی كل داخل فیاطل إثم ان: إثم العمل به، و الرضا به.» [۶] امام در این فرمایش، جرم را به دو سبب

می‌داند: عمل و رضایت به گناه و سنت تعمیم فقط باطل و گناه را در بر نمی‌گیرد، بلکه حق و ثواب را نیز شامل می‌شود.

## مشارکت تاریخی

در برخی زیارت‌های مأثور جامعه آمده که ما شریک دوستداران و یاران و رزمندگان هستیم که همراه شما امامان به جنگ با ناکثین و قاسطین و مارقین پرداختند. این سخن، غریب است و جز کسانی که سنت الهی «تعمیم» را می‌فهمند، آن را درک نمی‌کنند. در زیارت جامعه ائمه اهل بیت (ع) آمده است: شهادت می‌دهیم که شریک دوستان و یاران پیشگام‌تان بودیم در ریختن خون ناکثین و قاسطین و مارقین و نیز قاتلان ابی‌عبدالله، سرور جوانان بهشتی. این عمل را با نیت و همدلی و حسرت بر فرصتی که از کف رفت، انجام دادیم. رضایت و نارضایتی باب گسترده‌ای در بینش اسلام دارد و از همین باب ما شریک حضرت ابراهیم (ع) - پیشگام دعوت به یگانه پرستی - در شکستن بتها و پایداری در برابر طاغوت زمان - نمرود - هستیم. همچنین شریک موسی (ع) و عیسی (ع) در تبلیغ یکتا پرستی و سرنگون کردن طاغوتهای آن عصر می‌باشیم، چنان که در جنگ و غزوات رسول خدا (ص) شریک بوده‌ایم و شریک صالحان و اولیا و رهبران توحید و مبلغان هدایتیم. نیز شریک ذاکران و تسبیح‌گویان خدای متعال در طول تاریخ برای دعوت به سوی خدا و نصیحت و ارشاد بندگان خدایم. ما شریک در ذکر و تسبیح و دردها و غمهای آنان هستیم. نیز اگر خون ستمگران را ریختند یا در این راه خونشان ریخته شد پایه‌های ظلم و شرک را نابود کردند و رکن توحید و عدل را پی ریختند. رضایت و نارضایتی باب وسیعی در بینش و معرفت است که بیان آن از حوصله این بحث بیرون است. به طریقه‌های بسیار روایت شده است: «المرء مع من أحبَّ»؛ [۷]. آدمی با محبوبش قرین است.»

## کردار امت و فرد

شاید برای نخستین بار در تاریخ فرهنگ، قرآن فهم جدیدی از «امت» ارائه داده باشد. بنا بر این فهم نو، امت به معنای تجمّع کمی و عددی نیست بلکه مقوله‌ای کیفی است. از این رو امت برابر با مجموعه افراد نیست، چنان که کردار امت و تأثیر آن مساوی با مجموع کردار، آثار و توان افراد نیست. امت، مقوله‌ای کیفی است. خواننده‌ایم «یدالله» بر سر جماعت و با آن است، در اینجا هم «یدالله» امری غیر از مجموعه کمی توان افراد است. در معنای امت، تفاوتی بین امت مؤمن و غیر مؤمن نیست. در قرآن، امت، احکام و آثاری غیر از احکام و آثار مجموع افراد دارد. امت واحده، در زمان و مکان نمی‌گنجد یا تعدد مکان و زمان، امت واحد را جدا نمی‌کند. قرآن از امت خجسته و مبارکی به عنوان «ملت ابراهیم» یاد می‌کند: «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا». [۸] قرآن ابراهیم را نخستین پدر امت می‌داند: «مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ». [۹] در باره امت واحد که فراتر از زمان و مکان است، می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ». [۱۰] نیز می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ». [۱۱] بنابر آنچه گفتیم، قرآن فعل و کردار امت را غیر از فعل و عمل فرد می‌داند. دستاوردها و عملکرد نیک و بد امت، تمامی افراد امت را در بر می‌گیرد، حتی آنان که در این کار نقش نداشته‌اند، اما چون رضایت داشته‌اند، شریک آثار عمل امتند، ولی نتایج عملکرد افراد، ویژه خودشان بوده، دیگران را در بر نمی‌گیرد. موارد ذیل از اعمال امت هستند: شعائر (مراسم)، عرف (سنت)، کارهای گروهی و نیز آنچه مردم بپذیرند و از آن پشتیبانی کنند. آثار و پیامد این کارها تمامی افراد را در بر می‌گیرد، چه کسانی که در خیر و شرّ نقش و شرکت داشته یا نداشته باشند. اعمال افراد، رفتارهایی است که از اشخاص سر می‌زند و به شکل محسوس، نقش و تأثیری بر ساختار اجتماعی، چه در دنیا و چه آخرت ندارد. آیه ذیل در مورد این گونه اعمال است: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى، وَأَنْ سَعِيَهُ سَوْفَ يُرَى، ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءُ الْأَوْفَى». [۱۲] خداوند در مورد عملکرد امت که تمامی افراد را در بر می‌گیرد فرمود: «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ، وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَفْعَلُونَ». [۱۳] هر امتی مسئول خیر و

شرّ خویش است و از امتی دیگر باز خواست نمی‌کنند، چنان که فعل امت به همه افراد نسبت داده می‌شود نه فقط به انجام‌دهندگان، پیامد کردار امت نیز خاص انجام‌دهندگان نیست، بلکه همگان را فرا می‌گیرد، البته اگر بدین کار راضی باشند. [۱۴] خیر و شرّی که حاصل کردار امت و گروه است، تمامی - چه عمل‌کننده و چه غیر او - را در بر می‌گیرد (البته اگر بدان راضی باشند) و این سنتی فراگیر در دنیا و آخرت است. این سنت است که مردمان را از نقاط مختلف کره خاکی و در فاصله زمان‌های بسیار طولانی از تاریخ گرد می‌آورد یا می‌پراکند؛ پیوند می‌زند یا جدا می‌کند؛ و اگر به کرده‌ای رضایت یا عدم رضایت، دوستی یا دشمنی داشته باشند، از آنان امت واحدی به وجود می‌آورد. حتی گاه خانه و خانواده‌ای را به دو امت و جبهه ناهمخوان می‌برد؛ از آن رو که معیار دوستی و دشمنی، و خشنودی و ناخشنودی آنان گوناگون است، با هم یکجا جمع نخواهند شد. این سنت افراد را به هم پیوند می‌دهد، نه زبان، اقلیم، زمان یا نسب‌ها را؛ چنان که برادر را از برادر همخانه و هم‌خانواده جدا می‌کند. در اعمال امت، آدمی از آن که نمی‌شناسد و با او در یک خانه یا یک مکان زندگی نمی‌کند یا همزمان و همزمان وی نیست و از یک رگ و ریشه نمی‌باشند، پیامد نیک یا بد کردار را کسب می‌کند، چون بدان کردار خشنود یا از آن ناخشنود است. اما در اعمال فردی، گاه از یک خانه و خانواده، فردی خوشبخت و دیگری بدبخت است؛ به یکی وعده بهشت داده می‌شود و دیگری به سبب ورود و خلود در جهنم، شقاوت‌مند می‌گردد، زیرا مَحْکَکِ رِضَا و خَشْمِشَانِ مِثْقَاوَاتِ اسْتِ.

## موارد تعمیم

### اشاره

سنت تعمیم، سنتی عام و فراگیر است و دنیا و آخرت و خیر و شر را در بر می‌گیرد، چنان که موارد و مصداقها و راه و روشهای سنت تعمیم در زندگانی مردم بسیار است. در ادامه برخی روشها و موارد این سنت الهی در زندگانی مردم را با بهره‌گیری از نصوص اسلامی (کتاب و سنت) بر می‌شمیریم:

### تعمیم در مسؤولیت و کیفر

اگر گروهی مرتکب جرمی شدند و دیگران بدان رضایت داشتند، مسؤولیت و مجازات شامل آنان نیز خواهد شد. بدین مطلب در آغاز بحث، در تفسیر آیات آل عمران اشاره کردیم و دریافتیم خداوند فرزندان را به جرم پدران محکوم کرده، عقوبت می‌کند و می‌فرماید: عذاب سوزان را بچشید! نیز فرمایش امیرمؤمنان در نهج البلاغه را خواندیم که: ناقه ثمود را یک نفر کشت، اما خدا همه را عذاب کرد، زیرا بدین کار راضی بودند. خدای سبحان فرمود: «ماده شتر را پی کردند و همگی پشیمان شدند.» کثرت شمار راضی‌شوندگان، تغییری در سنت الهی و تعمیم مسؤولیت و کیفر نمی‌دهد. هر قدر هم نفرات زیاد باشند، مجازات خواهند شد و مسئول خواهند بود، چون بدین کار ناروا راضی بوده‌اند. ابو سعید خدری روایت می‌کند: «و جد قتیل علی عهد محمد رسول الله (ص) فخرج مغضباً، فحمد الله و أثنی علیه، ثم قال یقتل رجلٌ من المسلمین، لا- یدری من قتله، و الذی نفسی بیده لو أن أهل السموات و الأرض اجتمعوا علی قتل مؤمن أو رضوا به لأدّخلهم الله فی النار؛ [۱۵]. در زمان رسول خدا (ص) کشته‌ای را یافتند. پیامبر در حالی که خشمگین بود، خطبه خواند و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: از مسلمانان مردی کشته شده، قاتل وی معلوم نیست. سوگند به آن که جانم در دست اوست! اگر اهل آسمان و زمین برای کشتن مؤمنی گرد آیند یا بدین کار راضی باشند، خداوند آنان را داخل آتش خواهد کرد.» سلیمان بن خالد از امام صادق (ع) روایت کرده: «لو أن أهل السموات و الأرض لم یحبوا أن یتکونوا شهدوا مع رسول الله (ص) لکانوا من أهل النار؛ [۱۶]. اگر همه اهل آسمان و زمین همراهی با رسول الله (ص) را دوست

نداشته باشند نیز، داخل در آتش خواهند شد.» دوری مکان، این سنت الهی را تغییر نخواهد داد. اگر کسی بناحق دیگری را در شرق بکشد و کسی که در غرب است، بدین کار راضی باشد، سزاوار آتش است. از رسول خدا (ص) روایت است: «لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَتَلَ بِالْمَشْرِقِ وَ آخِرِ رَضِي بِهِ فِي الْمَغْرِبِ كَانَ كَمَنْ قَتَلَهُ وَ شَرَكَ فِي دَمِهِ؛ [۱۷]. اگر کسی در مشرق کشته شود و شخصی در مغرب بدان راضی باشد، مانند قاتل بوده، شریک در جرم است.» گستره خشنودی و رضایت گسترده بوده، فراتر از زمان و مکان است و بیش از آن که انسان تصور کند، مردم را در بر می‌گیرد. روایت شده: «إِنَّ الرَّاظِينَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ شُرَكَاءُ قَتْلِهِ. أَلَا- وَ إِنَّ قَتْلَهُ وَ أَعْوَانِهِمْ وَ أَشْيَاعِهِمْ وَ الْمُقْتَدِينَ بِهِمْ بَرَاءٌ مِنَ دِينِ اللَّهِ؛ [۱۸]. کسانی که راضی به کشتن حسین بودند، شریک جرم‌اند. بدانید قاتلان و یاران و پیروان و دنباله‌روان آنان از دین خدادورند.» نیز روایت است: «إِنَّ الْقَائِمَ (عَج) يَقْتُلُ ذُرَارِي قَتْلِهِ الْحُسَيْنِ (ع) لِرِضَاهُمْ بِذَلِكَ؛ [۱۹]. امام زمان (عج) فرزندان و نسل قاتلان امام حسین را می‌کشد زیرا آنان به عمل پدرانشان راضی هستند.»

### تعمیم حجت

در آغاز بحث خواندیم خداوند یهودیان معاصر رسول الله را با عمل پدرانشان مرتبط دانست و چون از رسول خدا خواستند یک قربانی بیاورد که صاعقه آسمانی آن را بسوزاند تا ایمان آورند، کار پدران را حجتی علیه آنان آورد و از پیامبرانی نام برد که پیش از رسول خدا با دلایل روشن و این گونه قربانی آمدند، اما یهودیان آنان را کشتند و ایمان نیاوردند [یعنی به همان دلیل که پدران ایمان نیاوردند و عذاب شدند، شما نیز ایمان نمی‌آوردید و عذاب خواهید شد، و این تعمیم دلیل است]. در آیه ۹۱ بقره، قرآن برای یهودیان معاصر رسول خدا چنین دلیل می‌آورد: وقتی به آنان گفته می‌شود که به آنچه خدا بر پیامبرش فرستاده، ایمان آورند، می‌گویند: به آیاتی ایمان می‌آوریم که بر ما نازل شده است و به آنچه خدا بر رسولش فرو فرستاده، کفر می‌ورزند. پس از این خداوند به پیامبر می‌فرماید علیه آنان این گونه احتجاج کن: «قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» چگونه می‌توان ادعای آنان را پذیرفت که به آنچه برایشان نازل شده، ایمان دارند، اما پیامبرانی را که برایشان فرستاده شده‌اند، می‌کشند؟! قرآن علیه فرزندان همان حجتی را می‌آورد که بدان با پدران به بحث و جدل می‌پرداخت. آیات یاد شده چنین است: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا تَأْمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا عَلَيْنَا وَ يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ [۲۰]. هنگامی که به آنان گفته شود به آنچه خدا نازل کرده، ایمان بیاورید می‌گویند: به آیاتی که بر ما نازل شده، ایمان می‌آوریم! و به غیر آن کافر می‌شوند، در حالی که حق است و آیاتی را که بر آنها نازل شده، تصدیق می‌کند. بگو: اگر راست می‌گویید و به آیاتی که بر شما نازل شده ایمان دارید، چرا پیامبران خدا را پیش از این، به قتل، می‌رساندید؟!»

### تعمیم در ثواب و پاداش

چنان که سنت تعمیم، مسئولیت آفرین و عذاب آور بود، پاداش و ثواب را نیز برای کنندگان کار و راضی شوندگان فراگیر می‌کند. این سنت، دری از رحمت خدا بر بندگان است تا آنان را شریک ثواب اعمال و جهاد صالحان کند؛ نیز ثواب دعوت به یکتاپرستی و قیام و رکوع در پیشگاه خدا و ذکر و تسبیح و عمل شایسته، شامل حالشان شود. سنت تعمیم در فرهنگ اسلامی یقینی است. محدث قمی در کتاب ارزشمند «نفس المهموم» به سند صحیح از ریان بن شیبی روایت می‌کند: «دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ مُحَرَّمٍ. فَقَالَ: يَا بْنَ شَيْبِ، أَصَائِمُ أَنْتَ؟ فَقُلْتُ: لَا. فَقَالَ: إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي دَعَا فِيهِ زَكَرِيَا رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ؛ فَقَالَ: رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِيَةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ. فَاسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ. وَ أَمْرَ الْمَلَائِكَةِ فَنَادَتْ زَكَرِيَا وَ هُوَ قَائِمٌ فِي الْمِحْرَابِ: «إِنَّ اللَّهَ يَبْشُرُكَ بِبِحَيٍّ». فَمَنْ صَامَ هَذَا الْيَوْمِ، ثُمَّ دَعَا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ، اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ كَمَا اسْتَجَابَ لَزَكَرِيَا. ثُمَّ قَالَ: يَا بْنَ شَيْبِ، إِنَّ الْمُحْرَمَ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ فِيهَا مَضَى يَحْرَمُونَ فِيهِ الظُّلْمَ وَ الْقِتَالَ لِحُرْمَتِهِ. فَمَا عَرَفَتْ هَذِهِ الْأُمَّةُ حُرْمَةَ شَهْرِهَا، وَ لَا حُرْمَةَ نَبِيِّهَا

(ص). فقد قتلوا فی هذا الشهر ذریته و سبوا نساءه، و انتهبوا ثقله، فلا غفر الله لهم ذلك أبداً. یابن شیب، إن كنت باکياً لشیء فابک للحسین بن علی ابن ابی طالب (ع)، فانه ذبح کما یذبح الكبش، و قتل معه من أهل بینه ثمانیة عشر رجلاً. ما لهم شیبهون فی الارض.... یابن شیب، ان سرک أن تلقی الله عزّ و جلّ و لا ذنب علیک فزر الحسین (ع). یابن شیب، إن سرک أن تسکن الغرف المبنیة فی الجنة مع النبی (ص) فالعن قتله الحسین (ع). یابن شیب، إن سرک أن یكون لک من الثواب مثل لمن استشهد مع الحسین (ع) فقل متی ما ذکرته: «یا لیتنی كنت معهم فأفوز فوزاً عظیماً». یابن شیب، إن سرک أن تكون معنا فی الدرجات العلی فی الجنان فاحزن لحزننا و افرح لفرحنا و علیک بولایتنا، فلو أنّ رجلاً تولّى حجراً لحشره الله تعالی معه یوم القیامه؛ [۲۱]. در نخستین روز ماه محرم خدمت ابوالحسن الرضا (ع) رسیدم. فرمود: روزه‌ای؟ عرض کردم: نه! فرمود: مثل امروز زکریا از پروردگار درخواست کرد: خدایا! به من فرزند پاکی عطا فرما، که تو شنونده دعایی! و خداوند خواسته‌اش را برآورد و به فرشتگان فرمان داد به زکریا که در محراب نماز می‌گذارد، بگویند: خداوند به یحیی تو را بشارت می‌دهد. هر که روز نخست محرم را روزه بدارد و خدا را بخواند، دعایش برآورده خواهد شد، چنان که دعای زکریا برآورده شد. مردمان زمان جاهلیت، ظلم و جنگ را در محرم حرام می‌دانستند، چون برای این ماه حرمت و عظمت قائل بودند اما این امت حرمت این ماه و عظمت پیامبر را نشناختند و در این ماه فرزندان رسول خدا را کُشتند و زنان‌شان را به اسارت بردند و اموال‌شان را تاراج کردند. خدا از این کارشان در نگذرد! ای فرزند شیب! اگر می‌خواهی بگری، برای حسین بن علی بن ابی طالب (ع) گریه کن که چون گوسفند سر بریده شد و هیجده تن از اهل بیتش را به همراه وی کشتند که مثل و مانندی روی زمین نداشتند. ای فرزند شیب! اگر خوشحال می‌شوی ثواب کسانی را داشته باشی که همراه حسین کشته شدند، هر وقت یاد او افتادی بگو: «یا لیتنی كنت معهم فأفوز فوزاً عظیماً». ای شیب! اگر مسرور می‌شوی که با ما، در درجات عالی بهشت باشی، در غم ما غمناک باش و به هنگام شادیمان شاد باش و ولایت و محبت ما را داشته باش، زیرا اگر کسی سنگی را دوست داشته باشد، خدای متعال روز قیامت، او را با آن سنگ محشور می‌کند. چنان که در کتاب «بشارة المصطفی» از عطیه کوفی چنین نقل می‌کند: همراه جابر بن عبدالله انصاری - رحمه الله علیه - برای زیارت قبر حسین بن علی بن ابی طالب رفتم. وقتی به کربلا رسیدیم، جابر نزدیک رود فرات غسل کرد، بعد جامه‌ای را لنگ خود کرده و جامه دیگر را بر دوش افکند، آن گاه کیسه‌ای را که در آن دانه خوشبوی سعد بود، باز کرد و بر سرو روی خود پاشید. سپس به سوی قبر رفت و گامی بر می‌داشت ذکر خدا می‌گفت تا نزدیک قبر رسید و به من گفت: دستم را بر قبر بگذار! دستش را بر قبر گذاشتم که ناگهان بی‌هوش روی قبر افتاد. مقداری آب بر سر و رویش پاشیدم تا به هوش آمد و سه بار گفت: یا حسین! و افزود: «آیا دوست، پاسخ دوست خود را نمی‌دهد؟ اما چگونه می‌توانی جواب دهی و حال آن که رگهای گردنت بر شانۀ آویخته شده، سرت از بدن جدا شده است. شهادت می‌دهم که فرزند بهترین پیامبر و زاده امیرمؤمنان هستی. تو فرزند کسی هستی که با تقوا، هم‌قسم بود و سرچشمه هدایت و خامس اصحاب کسا و پسر سید نقیان و اشرافی، چنان که زاده فاطمه سیده زنهایی، و چرا چنین نباشی و حال آن که دست [با کفایت] سیدالمرسلین تو را پرورش داده، در دامن پارسایان پرورش یافته، از پستان ایمان شیر خورده‌ای و نافت را با اسلام بریده‌اند. تو در حیات و ممات پاک بودی. دل‌های مؤمنان به سبب فراق تو خوش نیست و در نیکویی‌ات شکی ندارد. سلام و رضوان خدا بر تو باد! شهادت می‌دهم بر ایمان و بر آنچه برادرت یحیی بن زکریا بود، هستی.» سپس جابر چشم خود را دور قبر گرداند و گفت: «درود بر شما ای کسانی که با حسین بودید و کنار او ایستادید! گواهی می‌دهم که نماز را به پا داشتید و زکات دادید و امر به معروف و نهی از منکر کردید و با ملحدان جهاد کردید و خدا را پرستیدید تا آن که به یقین رسیدید. سوگند به خدایی که محمد را بحق برانگیخت که ما در جهاد و آنچه انجام دادید شریکیم.» به جابر گفتم: «چگونه چنین است و حال آن که در وادی کربلا نبودیم و بر فراز کوهی نرفتیم و شمشیر نزدیم اما میان بدن و سر این شهدا جدایی افتاده و فرزندان‌شان یتیم شده و زنان‌شان بیوه شده‌اند؟! جابر پاسخ داد: ای عطیه! از حبیبم رسول خدا شنیدم که فرمود: «هر که مردمانی را دوست بدارد با آنها

محشور می‌شود و هر که به کرده گروهی راضی باشد، در عملشان شریک است.» سوگند به خدایی که بحق محمد را به پیامبری برانگیخت، نیت من و دوستم انجام همان کاری است که حسین و اصحابش کردند. سپس جابر گفت: مرا به طرف خانه‌های کوفه ببرید! چون مقداری راه رفتیم، به من گفت: «ای عطیه! آیا به تو سفارشی بکنم؟ گمان ندارم پس از این سفر باشم و تو را باز ببینم. وصیت من این است: با دشمن آل محمد تا وقتی که بغض ایشان را دارد، دشمن باش، گرچه روزه‌دار و نماز گزار باشد، و با دوستدار آل محمد (ص) رفیق و مدارا داشته باش زیرا گرچه یک قدمشان به سبب گناهان بسیار بلرزد اما قدم دیگرشان به محبت آل محمد استوار و ثابت خواهد ماند. همانا جایگاه دوستدار آنان بهشت است و دشمنشان در آتش جای دارد.» [۲۲].

### تعمیم در نسبت دادن عمل

خداوند جرم پدران (کشتن پیامبران) را به فرزندان یهودی معاصر پیامبر نسبت می‌دهد. بنابراین فرزندان در برابر جرم پدران مسئولند و بدان مجازات می‌شوند. خداوند کار پدران را مستقیماً به فرزندان نسبت می‌دهد: «قل: فلم تقتلوهم إن کنتم صادقین.» [۲۳] و در خطابی دیگر به یهودیان هم عصر پیامبر تأکید دارد: «قل: فلم تقتلون أنبیاء الله من قبل إن کنتم مؤمنین.» [۲۴] آیه‌ای که خطاب به یهودیان زمان پیامبر است، تصریح دارد: «ذلک بما قَدَمْت أیدیکم و أن الله لیس بظلامٍ للعبید.» بی‌شک مخاطب این آیه یهودیان هم عصر رسول خدا می‌باشد.

### تعمیم در شهود و حضور

سنت الهی تعمیم، از مسئولیت و کیفر، ثواب و نسبت فراتر رفته، شهود و حضور را نیز در بر می‌گیرد و به غائبان می‌گوید شما شاهد و حاضر بودید. گرچه به ظاهر آنان به هنگام عمل، حضور نداشته، صدها سال فاصله داشتند و یا مسافت طولانی، میانشان بود. شاهد و حاضر بودن بالاترین مراتب تعمیم است. سید رضی در نهج البلاغه می‌گوید: «لما أظفر الله تعالی أمير المؤمنين (ع) بأصحاب الجَمَل قال لَهُ بعض أصحابه: وددت أن أخی فلاناً کان شاهداً لیری ما نصرک الله به علی اعداک. فقال (ع) أهوی اخیک معنا؟ قال: نعم. قال: فقد شهدنا. و لقد شهدنا فی عسکرنا هذا اقوام فی أصلاب الرجال و أرحام النساء، سیرعف الزمان بهم، و یقوی بهم الإیمان؛ [۲۵]. هنگامی که خداوند امیرمؤمنان (ع) را در جنگ جمل پیروز کرد، یکی از یارانش عرض کرد: دوست داشتم برادرم فلانی شاهد و حاضر بود و می‌دید چگونه خدا شما را بر دشمنان پیروز کرد! فرمود: برادرت دوست داشت با ما باشد؟ عرض کرد: آری. فرمود: در این صورت شاهد و حاضر بود. در این جنگ مردمانی شاهد و حاضرند که در صلب مردان و زهدان زنانند و زمانه بواسطه آنان جلو می‌افتد و ایمان از آنها توان و قوت می‌گیرد.» در جنگ نهروان، پس از آن که فتنه خوارج پایان گرفت و جنگ فروکش کرد، یکی از یاران حضرت آرزو کرد کاش برادرش در جنگ حاضر می‌بود. امام فرمود: «لقد شهدنا فی هذا الموقف أناس لم یخلق الله آباءهم؛ [۲۶]. در این نبرد کسانی حاضر بودند که هنوز خداوند پدرانشان را هم نیافریده است!». سید حمیری - رحمه الله علیه - بینش عمیق تاریخی سنت تعمیم را نمایانده، پسینیان را با پیشینیان (خَلَف را به سَلَف) مرتبط ساخته، کار تاریخی پدران را به فرزندان تعمیم داده است. وی در اشعاری که همگی آگاهی و معرفت است می‌گوید: انی أَدین بآدمان الوصی به یوم الریضه من قتل المحلینا و بالذی دان یوم النهر دنْتُ به و صافحتُ کَفَه کفی ب(صَفینا) تلک الدماء جمیعاً ربّ فی عنقی و مثلها معها آمین آمینا؛ [۲۷]. قتل آنان که خونشان توسط امیرمؤمنان ریخته شد در جنگ جمل مورد تأیید من است، نیز خونهایی که در جنگ صفین و نهروان ریخته شد. پروردگارا! ثواب آن خونهای ریخته و دیگر موارد برای من هم باشد. آمین ثم آمین.» از ابو جعفر ثانی، امام جواد (ع) روایت است: «مَنْ شَهِدَ أَمراً فَکَرِهَهُ کَانَ کَمَنْ غَابَ عَنْهُ وَ مَنْ غَابَ عَنْ أَمْرٍ فَرَضِیَهُ کَانَ کَمَنْ شَهِدَهُ؛ [۲۸]. آن که در کاری باشد و آن را خوش نداشته باشد، مانند کسی است که آن را انجام نداده، و آن که از امری غایب باشد (اما آرزو کند کاش حاضر

می‌بود) مانند حاضران است.» رضایت به عملی، شخص غایبی را که قرن‌ها دور است، حاضر می‌داند و نارضایتی از آن، حاضر و شاهد را غایب می‌شمرد. امام رضا (ع) فرمود: «مَنْ غَابَ عَنْ أَمْرِ فِرْضِي بِه كَان كَمَنْ شَهِدَهُ وَأَنَسَاهُ» [۲۹]. آن که در کاری غایب باشد، اما بدان راضی باشد، مانند شاهد حاضری است که کار را فراموش کرده است.»

### تعمیم در دستاوردها و سنن الهی در جامعه و تاریخ

طاعت و عصیان الهی، آثار و نتایجی در زندگی اجتماعی مردمان دارد. خداوند می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» [۳۰] نیز می‌فرماید: «كَذَّابٌ آلُ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ، ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكْ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَانَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» [۳۱] همچنین می‌فرماید: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ» [۳۲]. این نتایج و آثار به موجب سنن خداوند (که حتمی است و به فرمان خدا واقع می‌شود) در زندگی مردم نقش دارد و فقط کنندگان کار و حاضران را در بر نمی‌گیرد، بلکه شامل غایبان نیز می‌شود، اگر بدان خوشنود یا ناخشنود باشند. به آیات مبارکه ۶۱ بقره و ۱۱۲ آل عمران بنگرید. خداوند کیفرهایی را که دامنگیر یهود شد، از آن رو که جرم بسیار کردند و پیامبران را کشتند، بیان نموده است. کیفر آنان ذلت و خواری و خشم خدا بود که در حیات سیاسی و اقتصادی بدان گرفتار شدند، زیرا سنت الهی بر خوار و خفیف کردن عصیانگران و متمردان است. خدا بدین سنت فرزندان یهود را به سبب جرم پدران کیفر داد و عقوبت الهی در دنیا همگان را فرا گرفت. به آیات مورد اشاره توجه کنید: «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ» [۳۳]. بر یهود خواری و مذلت مقدر گردید و به خشم خدا دوباره گرفتار شدند، چون به آیات خدا کافر گشتند و پیامبران را بناحق کشتند و راه نافرمانی و ستمگری پیش گرفتند. «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَمَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ» [۳۴]. آنان محکوم به ذلت و خواری‌اند به هر کجا که متوسل شوند مگر به دین خدا و عهد مسلمانان در آیند. آنان پیوسته اسیر بدبختی و ذلت شدند، از آن رو که به آیات خدا کافر شده و پیامبران را به ناحق کشتند، نافرمانی و ستمگری، کار همیشه آنها بود! بدون تردید کیفر (که سنت الهی است) ویژه یهودیانی نیست که دست به قتل پیامبران زدند بلکه نسل آنان (هر کجا که باشند) به دلیل تعمیم جزء مصادیق عذاب شوندگانند.

### تعمیم در نتایج و سنن الهی در وجود انسان

سننهای الهی در دو زمینه محقق می‌شود: جامعه و تاریخ، فرد. پیشتر سنت تعمیم در زمینه جامعه و تاریخ را بر شمردیم، اینک سنت تعمیم که در بردارنده سننهای الهی در مورد فرد و بشر است، بازگو می‌شود. سوره بقره از عناد بنی‌اسرائیل، کفران نعمتهای الهی، لجاجت، تشکیک در آیات خداوند، کشتن پیامبران، عصیان و تمرد سخن گفته است. پس از این، سنت الهی را بازگو می‌کند که به سبب انکار و کفران و عصیان دچار عقوبت و کیفر شدند: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً» [۳۵]. پس با این همه سخت‌دل گشتید و دل‌هایتان چون سنگ یا سخت‌تر از آن شد!». بی‌تردید این سنگدلی که خداوند از آن توصیف به «چون سنگ یا سخت‌تر از آن» کرده، نتیجه جرمها، انکارها و معاصی است و قرآن چنین تعبیر می‌کند: «پس از این...» یعنی نتیجه گناهان سنگدلی بود! شکی نیست مخاطبان این آیه، به دلیل ضمیر خطاب در آیه کریمه (قَسَتْ قُلُوبُكُمْ) و سیاق آیات سوره بقره، یهودیانی‌اند که در زمان پیامبر می‌زیستند.

## تعمیم نفرین و بیزاری

از شمار مصادیق تعمیم، لعن و براءت از قاتلان، مجرمان و کسانی است که به کرده آنان راضی باشند. در نصوص به جا مانده از اهل بیت در زیارت امام حسین (ع) به روشنی و صراحت این تعمیم را شاهدیم. در نص زیارت وارث می‌خوانیم: «لعن الله أُمَّةً قتلک و لعن الله أُمَّةً ظلمتک و لعن الله أُمَّةً سیّمت بذلک فرضیت به؛ خدا لعن کند آنان را که تو را کشتند و نفرین باد بر امتی که به تو ستم کرد و آنان که شنیدند و بدین کرده راضی بودند!» این، نص عجیبی است و آدمی را به تأمل و اندیشه وامی‌دارد. لعن و براءت شامل سه گروه است: قاتلان، آنان که با پشتیبانی و کمک، کار قاتلان را تأیید کردند، سوم: آنان که بدین کار راضی بودند. نفرین و بیزاری جستن، اعلام جدایی و بُریدن کامل است. نمی‌توان لعن و نفرین کرد مگر آن که آخرین رشته دوستی و محبت میان امت بُرد. اگر این رشته‌ها، یکی پس از دیگری بُرید، آن گاه هر گروهی از امت، از دیگری جدا و منفصل می‌شود. اگر گروهی مورد رحمت خدا و «مرحوم» باشد، ناگزیر دیگری مورد خشم خدا و «ملعون» است، و این، خط فاصل و جدا کننده گروه‌ها است. خدای متعال مسلمانان را با رشته دوستی و محبت، به هم پیوند زده، فرموده است: «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض؛ [۳۶] مؤمنان یار و یاور همدیگرند.» محبت قوی‌ترین پیوند متمدنانه در تاریخ بشر است و هر که در گستره دوستی مؤمنان درآید، سزاوار است خانواده بزرگ و گسترده مؤمنان، بدو یاری و سلامت رسانند و او مصون باشد؛ یعنی جان و عرض (کرامت و بزرگواری) و مالش محفوظ بماند. در فرمایش رسول خدا (ص) در مسجد خیف (در منا) و در آخرین حجی که گزارد، حرمت جان و مال و آبروی مؤمنان چنین تبیین شد: «یا ایها الناس، اسمعوا ما أقولُ لکم و اغقلوه فانی لا أدری لعلی لا ألقاکم فی هذا الموقف بعد عامنا هذا. ثم قال: أئی یوم أعظم حرمةً؟ قالوا: هذا الیوم. قال: فأئی شهر أعظم حرمةً؟ قالوا: هذا الشهر. قال: فأئی بلد أعظم حرمةً؟ قالوا: هذا البلد. قال: فإنّ دماءکم و أموالکم علیکم حرامٌ کحرمة یومکم هذا، فی شهرکم هذا، فی بلدکم هذا، إلی یوم تلقونه. فیسألکم عن أعمالکم. ألا هل بلغت؟ قالوا: نعم. قال: اللهم اشهد! ألا من کانت عنده أمانة فلیؤدّها الی من ائتمنه علیها فإنه لا یحل دم امرئ مسلم و لا ماله إلا بطیئة نفسه و لا تظلموا انفسکم و لا ترجعوا بعدی کفّار؛ [۳۷]. ای مردم! آنچه را به شما می‌گویم بشنوید و در آن بیندیشید، زیرا مطمئن نیستم سال بعد شما را اینجا ببینم. کدام روز حرمتش بیشتر است؟ گفتند: امروز [دهم ذی حجه]. پرسید: حرمت کدام ماه بیشتر است؟ گفتند: همین ماه [ذی حجه]. پرسید: کدام شهر حرمت افزونتری دارد؟ گفتند: همین شهر [مکه]. فرمود: خون و مال شما بر همدیگر حرام است و مانند امروز و این ماه و این شهر حرمت دارد تاروژی که پروردگارتان را ملاقات کنید و از شما پرسد چه کردید! آیا پیام الهی را به شمارساندم؟ گفتند: آری. گفت: خدایا! شاهد باش! هر که نزد او امانتیاست، به صاحبش برگرداند. به کسی که به او امانت داده است. ریختن خون مسلمان روا نیست و نمی‌توان مال او را گرفت مگر رضایت داشته باشد. و به خودتان ستم نکنید و پس از من کافر نگردید!». از رسول خدا روایت است: «المسلم من سلّم المسلمون من لسانه و یده؛ [۳۸] مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبانش در امان باشند.» میان روابط متمدنانه موجود، رابطه‌ای قوی‌تر و محکم‌تر و در عین حال، لطیف‌تر از دوستی و محبت نمی‌شناسیم. هر که به خدا و پیامبر شهادت و گواهی دهد، در گستره دوستی مؤمنان است و جان و مال و عرض او توسط مسلمانان حفظ شده، مصونیت دارد، اما اگر میان مؤمنان، این رشته بگسلد، هر کدام امتی جداگانه به شمار خواهند آمد. خدا پیامرزد «زهیر بن قین» را که بدین حقیقت آگاه بود و به سپاهیان بنی‌امیه، روز عاشورا گفت: «ای کوفیان! از عذاب خدا بترسید! مسلمان حق دارد برادر مسلمانش را نصیحت کند و ما اکنون برادر و بر یک دینیم، مگر آن که شمشیر [و جنگ] بینمان افتد. در این صورت مصونیتی [در جان و مال] نبوده، هر یک امتی جداگانه خواهیم بود.» [۳۹] این مطلب آگاهی دقیقی از حقایق بزرگ دینی است. اگر مصونیت میان گروه‌های مسلمان از بین رفته، میانشان جنگ و قتل اتفاق افتد و یکی بر دیگر ستم کند، هر یک امتی به شمار آمده، یکی مرحوم و دیگری ملعون است.



## نفرین شدگان در زیارت وارث

سه گروه در زیارت وارث نفرین شده بودند: قاتلان، تأیید کنندگان و خشنود شوندگان. متن زیارت چنین است: «لعن الله أُمَّةً قَتَلْتُمْ، و لعن الله أُمَّةً ظَلَمْتُمْ، و لعن الله أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ؛ بدان راضی شد.» گروه نخست محدود به حاضران در کربلا، در محرم ۶۱ هجری است. گروه دوم گسترده‌تر از دسته اول، و شامل کسانی است که پشتیبانی کردند و کار قاتلان را تأیید نمودند و به امام ستم کردند؛ چه در عاشورای ۶۱ هجری، در کربلا حاضر باشند، چه در این تاریخ، در کربلا نباشند. دسته سوم، از این دو گروه فراتر رفته، طول تاریخ را شامل می‌شود و حلقات و رشته‌های آن تا به امروز که هستیم و زندگی می‌کنیم، به هم مرتبط است. شگفت است که گروه سوم مانند نخستین و دومین دسته، سزاوار لعن و عذاب و براءت است. اگر امام حسین (ع) از کسی یاری می‌خواست و وی اجابت نمی‌کرد، امام به او توصیه می‌کرد دور شود تا یاری‌خواهی‌اش را نشنود. وی فرمود: «مَنْ سَمِعَ وَ اعْتِنَا فَلَمْ يُعِنَّا، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَكْبَهُ عَلَيَّ مِنْخَرَهُ فِي النَّارِ؛ هر که ندای ما را بشنود و ما را یاری نکند، خداوند حق دارد او را با صورت در آتش اندازد.» بینش تاریخی تعمیم و فراشمولی و ربط حاضران با گذشتگان و نسلها با هم‌دیگر، به صورت روشن و با گفته‌هایی تأثیرگذار، در زیارت عاشورا بازتاب دارد. در ادامه برخی از این نصوص را نقل می‌کنیم: «لعن الله أُمَّةً أَسَسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الجورِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ البیتِ. و لعن الله أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَ أَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا وَ لعن الله الممهِّدِينَ لِهَمِّ بَالْتِمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ. برئتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ وَ أَوْلِيَائِهِمْ. إِنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَالَمَكُمْ، وَ حَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ خدای لعن کند امتی که اساس ظلم و جور بر شما اهل بیت را پی ریخت. نفرین خدا بر امتی باد که شما را از جایگاه و مقامتان (خلافت) راند و مرتبه‌ای را که خدا برایتان مقرر داشته بود، گرفت. خدا لعنت کند مردمی را که از امرای ظلم و جور برای جنگ با شما اطاعت کردند. برای رضایت خدا و شما، از آن ظالمان و پیروان و دوستانشان بیزاری می‌جویم و من تاروز قیامت، در صلح با هر که با شما در صلح است و در جنگ و نبردم با هر که با شما در جنگ است.»

## عاشورا محک ولایت و براءت

زندگی میدان مبارزه است و کشمکش ستون فقرات تاریخ است. بهتر از این نمی‌توان تاریخ را تعریف کرد. تاریخ جز مبارزه و نبرد نیست و هر چه جز این می‌باشد، در حاشیه تاریخ است، نه در صُلب و متن آن. مقصود از مبارزه، تضاد طبقاتی نیست (چنان که مارکس می‌گوید) یا هم‌آوردی نظامی و یا رقابت اقتصادی و سیاسی، بلکه منظور، نبرد میان توحید و شرک و جنگ میان حق و باطل است. این نبرد جوهر و ستون فقرات تاریخ است و هر مبارزه دیگر، در حاشیه و کنار تاریخ بوده، از دل تاریخ نیست. ابراهیم (ع) با امامت و رهبری خویش، در تاریخ این نبرد را آغاز کرد و پیامبران، رسولان و بندگان شایسته و صالح آن را ادامه دادند. این نبرد است که ساحت حیات را تقسیم می‌کند و همگان، با درجات و مراتب مختلف، میان دو جبهه نبرد [حق و باطل] هستند. گاه جنبه‌ها و طرف‌های درگیر، در هم شده، خط و خطوط آمیخته می‌شود، آن چنان که شناخت حق و باطل در جبهه نبرد سخت و مشکل می‌گردد و آن که می‌خواهد جانب حق را بگیرد، می‌بایست شناخت دقیق داشته باشد و برای تشخیص حق از باطل، آگاهی و بصیرت یابد. در این فضای مه‌آلود و مشوش، انسان نمی‌تواند موضع درستی بگیرد مگر آن که آگاهی و معرفت داشته باشد. عامل مهم آگاهی، تقوا و پارسایی است: «اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمِكُمْ اللَّهُ؛ [۴۰]. از خدا بترسید تا شما را تعلیم و آگاهی دهد.» یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كَفْلِينَ مِّنْ رَّحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ؛ [۴۱]. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و به پیامبرش ایمان بیاورید تا شمارا از رحمت خود دو نصیب دهد و شما را نور عطا کند که در روشنایی آن، راه بجوید.» عاشورا عامل دقیقی برای تشخیص حق و باطل است هر چند حق و باطل به هم آمیخته شود. کاش می‌دانستیم چه سرّ و

حکمتی خدای متعال در این روز شگفت قرار داده است! عاشورای ۶۱ هجری عاملی اساسی برای تقسیم مردم در دو جبهه مشخص بود؛ جبهه حسینی و جبهه ضد حسینی. جبهه نخست در طول تاریخ با پیامبران و رسولان و مردمان صالح بوده، جبهه دوم در برابر دعوت پیامبران ایستاده و با مجرمان و مفسدان بوده است. از آن رو که حسین (ع) وارث پیامبران و رسولان است، دعوت او در امتداد و دنباله دعوت انبیاست و یزید چون وارث طاغیان تاریخ و وارث طغیانگری و سرشت آنان است، از سردمداران طاغوت و از خیل سپاه آنان به شمار می‌آید. جبهه حق و باطل در طول تاریخ امتداد داشته، هر یک تاریخ را با رنگ و بوی خود آراسته‌اند. هر جبهه که یگانه‌پرستی و ارزشها را به ارث برده، با حق بوده، از موضع‌گیری امام خشنود است و کرده بنی‌امیه در عاشورا را نمی‌پسندد، با حسین و در خط پیامبران و رسولان است. اما آن که در پی میراث بنی‌امیه و استکبار بوده، از مرز الهی و احکام خدا بیرون رفته، در برابر سبیل الله ایستاده و در عاشورا بر حسین خشم گرفته، برضد وی بوده، در خط طاغیان و مستکبران تاریخ است. عاشورا خط معیار این دو جبهه در طول تاریخ و در هر جامعه‌ای است. عاشورا تاریخ و جامعه را به قطب متضاد حق و باطل تقسیم می‌کند. گرچه تمامی درگیری‌های میان حق و باطل می‌تواند این دو را در طول تاریخ و در هر جامعه‌ای، از هم جدا و مشخص سازد، اما خداوند از بین رخدادهای بسیار به عاشورا چنین ویژگی عظیم و روشنی بخشیده است. موضع‌گیری در این دو جبهه، به دوستی یا بیزاری است. دوستی نشانه جبهه نخست و دشمنی نشانه دسته دوم است و حسین حدّ فاصل و جداکننده میان جبهه حق و باطل است: «إِنِّي سَلِّمٌ لِمَنْ سَلِمَ مَعَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَ وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ.» گستره این دو جبهه در طول تاریخ و جوامع گسترش یافته، پهناورترین گستره در حیات آدمی است و خشنودی یا ناخشنودی آن را رنگ دوستی یا دشمنی، ولایت یا عداوت زده است.

### دوستی یا دشمنی، به عمل است

دوستی و دشمنی بدان معنا نیست که آدمی فقط در دل دوست بدارد یا دشمن باشد و اقبال و ادبار قلبی داشته باشد بلکه به معنای تمام کلمه، موضع‌گیری عملی است. شاید درست‌ترین سخن برای تعبیر از موضع‌گیری عملی، جمله تأثیرگذار و رسایی است که در زیارت عاشورا به چشم می‌خورد: «با دوستانتان، در صلح و سلامتم و با دشمنانتان، در جنگ و نبرد. دوستدار علاقه‌مندان شمایم و از خصمستان بیزارم.» گستره صلح یا جنگ با دوستان یا دشمنان حسین (ع) فقط عاشورا نیست بلکه در هر تاریخ و جامعه‌ای است [کلّ یوم عاشورا و کلّ أرض کربلا] و عامل گسترش، رضا یا سَخَط است. از زیارت عاشورا پی به این بینش ژرف در مورد تاریخ و جامعه می‌بریم: «لَعْنُ اللَّهِ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَ لَعْنُ اللَّهِ الْمَهْمُودِينَ لَهُمْ بِالْتَمَكِينِ.» این دو گروه در گستره پهناوری از جامعه وجود داشته، زیارت وارث گروه سوم را نیز مشمول لعن و براءت می‌داند: «لَعْنُ خُدا بر امتی باد که این ستم را شنیدند و بدان راضی بودند!». پس از این گستردگی و شمول، در هر تاریخ و جامعه‌ای، صلح و جنگ، دوستی و دشمنی جریان دارد و عاشورا نقطه برخورد دو جبهه حق و باطل، توحید و شرک است که در طول تاریخ با هم نبرد داشته‌اند و انتساب و آنگ هر جبهه را داشتن، به عمل و رضایت است.

### رضایت مندی سطحی و عمقی

آنچه از تأثیر رضایتمندی گفتیم، در صورتی است که راستی باشد، اما آرزوها و خواسته‌های دروغین و دوستی سطحی، آدمی را به دایره ولایت وارد نکرده، او را از براءت بیرون نمی‌برد. رضایت یا نارضایتی جز با عمل و عزم، درست نخواهد بود. اگر خشنودی یا ناخشنودی، تهی از عزم و عمل باشد، ارزشی ندارد. فرزدق شاعر - رحمه الله علیه - بدین حقیقت آگاه بود و وقتی امام از وی از حال اهالی عراق پرسید، پاسخ درست داد و عرض کرد: دل‌هایشان با توست و شمشیرهایشان بر توست! این واقعه پس از آن بود که

امام در ذی‌حجه سال شصت هجری، حجاز را به سوی عراق ترک کرد. اگر دلها جدای از شمشیرها و همراه حسین (ع) بود، اما شمشیرها در خدمت بنی‌امیه و اراده و حکومتشان بود، آنان که فقط به دل، حسین را دوست دارند، بیرون از گروه دشمنان خدا و جزء اولیاء الله نیستند. دوستی سطحی و ضعیفی که مردمان عراق از امام در دل داشتند، آنان را از جبهه بنی‌امیه بیرون نیاورد و داخل در جبهه حسینی نکرد. نمی‌توانیم دوستی را این‌گونه، ضعیف و سطحی پی‌ریزی کرده، اثر رضا و سَخَط، حُبّ و بُغْض در تاریخ و جوامع را به حرف و دل [نه به عمل] بدانیم، بلکه می‌بایست کسانی را دوست بدانیم که به راستی رضایت و ولایت اولیاء الله را داشتند و صادقانه بر اعداء الله خشم و بُغْض ورزیدند. از خدای متعال درخواست داریم روزیمان کند که به عمل و کردار اولیائش راضی بوده، آنان را دوست بدانیم و بر دشمنانش خشم گرفته، آنان را دشمن بدانیم و در رضا و سَخَط، حُبّ و بُغْض خود صادق باشیم.

## پاورقی

[۱] آل عمران، ۱۸۱ - ۱۸۳.

[۲] بقره، ۲۴۵.

[۳] تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۳۲۸، چ اسماعیلیان.

[۴] همان.

[۵] نهج البلاغه، خ ۲۰۱.

[۶] همان، حکمت ۱۵۴.

[۷].

[۸] النساء، ۱۲۵.

[۹] الحج، ۷۸.]

[۱۰] مؤمنون، ۵۲.

[۱۱] الانبیاء، ۹۲.

[۱۲] النجم، ۴۱ - ۳۹.

[۱۳] بقره، ۱۴۱.

[۱۴] این سنت، با سنت تاریخی و اجتماعی دیگری که آیه ۲۵ انفال بیان می‌کند، متفاوت است آن آیه می‌فرماید: «از فتنه‌ای پرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد، بلکه همه را فرا خواهد گرفت.» این سنت ویژه دنیاست، نه آخرت گرچه راضی‌ها و ناراضی‌ها را در بر می‌گیرد و شامل خیر و شر است، مثلاً اگر مردمی مؤمن باران طلب کنند و خدا بر ایشان باران فرستد، خیر دنیوی همه را در بر خواهد گرفت، حتی آنان که مؤمن نباشند و دین و آیین دیگری داشته باشند و در رضایت و ناراضی‌تی با اینان همراه نباشند. نیز اگر گروهی آتش فتنه در جامعه بر افروزند، شرّ آن همه را فرا خواهد گرفت، حتی کسانی که با فتنه‌گران در رضایت و ناراضی‌تی همراه نباشند. اما آثار این سنت، فقط در دنیاست نه در آخرت، در حالی که سنت تعمیم - که از آن سخن می‌گوییم - در دنیا و آخرت، همگان را اگر در رضا و ناراضی‌تی شریک باشند در بر می‌گیرد و کسانی را که در رضا و ناراضی‌تی با آنان همراه نیستند، شامل نمی‌شود.

[۱۵] بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸۴.

[۱۶] همان، ج ۷۱، ص ۲۶۲، ح ۶.

- [۱۷] همان، ج ۱۰۴، ص ۳۸۴؛ روضه الواعظین، ص ۴۶۱.
- [۱۸] بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۱۱، ح ۷۹.
- [۱۹] همان، ج ۵۲، ص ۳۱۳.
- [۲۰] بقره، ۹۱.
- [۲۱] نفس المهموم، ص ۳۶، تحقیق رضا استادی؛ امالی صدوق، ص ۷۹.
- [۲۲] بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۰، ح ۶۲ و ج ۱۰۱، ص ۱۹۵، ح ۳۱؛ بشاره المصطفی، ص ۷۴، ج ۱۳۸۳هـ.
- [۲۳] آل عمران، ۱۸۴.
- [۲۴] البقره، ۹۱.
- [۲۵] نهج البلاغه، خطبه ۱۲.
- [۲۶] بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۶۲، ح ۵ و ۶.
- [۲۷] اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۳، ص ۴۱۶.
- [۲۸] تحف العقول، ص ۱۰۰؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۸۱، ح ۳۸.
- [۲۹] بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۲۰؛ ج ۵، ص ۲۸۳.
- [۳۰] اعراف، ۹۶.
- [۳۱] انفال، ۵۲ - ۵۳.
- [۳۲] آل عمران، ۱۳۷.
- [۳۳] بقره، ۶۱.
- [۳۴] آل عمران، ۱۱۲.
- [۳۵] بقره، ۷۴.
- [۳۶] بقره، ۷۱.
- [۳۷] کافی، ج ۷، ص ۲۷۳.
- [۳۸] همان، ج ۲، ص ۲۳۵.
- [۳۹] تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۴۳.
- [۴۰] بقره، ۲۸۲.
- [۴۱] الحديد، ۲۸.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم  
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)  
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید  
 بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی  
 آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند  
 بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۰۲۲-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

